

هفت مقاله درباره‌ی سینمای استنلی کوبریک

استنلی کوبریک

فلسفه‌ی استنلی کوبریک

(جنگ. عشق. تکنولوژی)

گردآوری و سرپرست ترجمه: اسدالله غلامعلی

سرشناسه: غلامعلی، اسدالله، ۱۳۴۴. گردآوری، ترجمه، مترجم
عنوان و نام پدیدآور: فلسفه‌ی استثنای کوبریک (جنگ، عشق، تکنولوژی)
هفت مقاله درباره‌ی سینمای استثنای کوبریک، گردآوری و سرپرست ترجمه اسدالله غلامعلی
مشخصات نشر: تهران، رسم
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص، ۱۶×۲۱/۱۴ س.م.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۶۳-۶۸-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
عنوان دیگر: هفت مقاله درباره‌ی سینمای استثنای کوبریک
موضوع: کوبریک، استثنای. ۱۹۲۸-۱۹۹۹ م. نقد و تفسیر
موضوع: سینما - مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع: سینما - نقد و تفسیر - مقاله‌ها و خطابه‌ها
رده‌بندی کنگره: PN ۱۹۸/۱۳۳۲:۸ غ ۸۵ ک ۳/۲
رده‌بندی دیویی: ۷۹۱/۳۳۰۲۳۳۰۹۲
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۷۰۲۱۱۴

فلسفه‌ی استثنای کوبریک
(جنگ، عشق، تکنولوژی)
هفت مقاله درباره‌ی سینمای استثنای کوبریک

گردآوری و سرپرست ترجمه:

اسدالله غلامعلی

ناشر: رسم

گرافیک کتاب: آتلیه رسم

طرح جلد: شهاب سیاوش

چاپ نخست: ۱۳۹۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ: سیزآرنگ

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۶۳-۶۸-۳


نشر و پژوهش رسم

نشانی پستی: تهران، صندوق پستی ۱۳۱۴۵-۶۴۹

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان رواقعهر، پلاک ۴۲ واحد ۱

تلفن: ۰۹۱۲۳۲۷۳۸۶۶، ۶۶۴۱۵۲۶۹، ۶۶۴۱۵۶۳۸، ۶۶۹۶۲۵۳۷

www.rasm.ir info@rasm.ir

- ۹ پیش‌گفتار
- ۱۳ بخش یک؛ جنگ
- ۱۴ شناخت دشمن؛ مکالمه‌ی فیلم ترس و هوس و فیلم دکتر استرنج‌لاو (مترجم: اسدالله غلامعلی)
- ۴۰ آشوب، نظم و اخلاق؛ تأثیر نیچه بر فیلم غلاف تمام فلزی (مترجم: اسدالله غلامعلی)
- ۵۴ اخلاق اگزیستانسیالیستی؛ راه‌های افتخار به کجا هدایت می‌کند؟ (مترجم: اسدالله غلامعلی)
- ۶۳ بخش دو؛ عشق
- ۶۴ جایی که رنگین‌کمان تمام می‌شود؛ چشمان باز بسته (مترجم: اسدالله غلامعلی)
- ۹۰ ضربه فنی؛ بوسه قاتل، تن و کوپریک (مترجم: اسدالله غلامعلی)
- ۱۱۹ بخش سه؛ تکنولوژی
- ۱۲۰ آبرانسان نیچه در شمایل کودک‌ستاره؛ فرانسان در ادیسه فضایی (مترجم: محمد حقیقت‌طلب)
- ۱۴۰ نگاهی بر تولید ادیسه فضایی (اسدالله غلامعلی)
- ۱۵۵ واژه‌نامه
- ۱۵۹ خلاصه انگلیسی

پیش‌گفتار

استنلی کوبریک در تمام آثارش تلاش کرد انسان را از زوایای مختلف جسمی و روانی، مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. او انسان را همچون آن تخته‌سنگ در فیلم ادیسه فضایی می‌نگریست و برای شناخت آن تلاش می‌کرد. کوبریک پیش از آنکه فیلمساز باشد، یک محقق و پژوهشگر است و یک کاشف! حال که چنین موجودی را در چنین جهانی کشف و واکاوی کرده، تلاش دارد، آینده‌اش را نیز پیش‌گویی کند. کوبریک شناخت انسان را رسالت خود می‌داند. از این رو، بر خود واجب می‌داند در این راه از هیچ چیز و هیچ کسی نهراسد و از هیچ کلیشه‌ای تبعیت نکند. راه‌های افتخار، ادیسه فضایی، پرتقال کوکی، غلاف تمام فلزی نشان می‌دهد برای بیان مفاهیم مورد نظرش، هر بار ژانری را انتخاب و هر بار تکنیک و روش‌های جدیدی را ابداع کرده است. فتودور داستایوفسکی در جایی می‌گوید: هدفی نو داشتن، گامی تازه برداشتن، کلامی تازه گفتن، این است آنچه مردم از آن می‌ترسند. کوبریک نمادی از گام و سخن تازه است. در حقیقت هر بار، با هر فیلم، سخن و نگاه و راه تازه‌ای را آزمود، اما هرگز عشق، اخلاق، تنهایی، وحشت، رنج و آرزوهای بشری را فراموش نکرد. راه و گام‌های تازه کوبریک ما را به یاد شعری از مولانا می‌اندازد:

هین سخن تازه بگو تا دو جهان تازه شود / وارهد از حد جهان بی‌حد و اندازه شود

کتاب حاضر شامل هفت مقاله است که شش مقاله از کتاب The Philosophy of Stanley Kubrick ترجمه شده است. کتاب «فلسفه استنلی کوبریک» که توسط Jer- old J. Abrams گردآوری شده، پژوهشی است با نگاهی فلسفی و اگزیستانسیالیستی به فیلم‌های کوبریک از ترس و هوس تا چشمان باز بسته. او در حالی که به کمک رسانه‌ی سینما تلاش می‌کرد، رسالتش را که همان شناخت و تجزیه و تحلیل انسان بود، به

انجام برساند، سعی در پیش‌گویی آینده او نیز داشت. فیلم‌های ادیسه فضایی و پرتقال کوکی به تنهایی سندی بر تأیید این مساله است. کوبریک از آینده سخن می‌گوید، از تنهایی مدرن انسان و فروپاشی در آینده، تا نشان دهد انسان چه پیچیدگی‌هایی دارد. آثار کوبریک به ویژه پرتقال کوکی و ادیسه فضایی، یادآور تاکیده‌های نیچه در «چنین گفت زرتشت» است: باید از انسان عبور کرد، جهان درونی و برونی او را به معرض نمایش می‌گذارد تا به ما بگوید، انسان تا کجا می‌تواند بالا رود و تا چه نقطه‌ای می‌تواند سقوط کند. می‌خواهد به ما بگوید دیگر مرزی میان بالا و پایین، خوب و بد، خیال و واقعیت باقی نمانده است. دیگر مرزی در کار نیست. استنلی کوبریک نه فقط یکی از بزرگ‌ترین سینماگران و اندیشمندان جهان است، بلکه می‌توان به او لقب پیامبر سینما را داد. آری! پیامبری که در قالب و گونه‌های مختلف همچون جنگ، وحشت جهان درونی و بیرونی، گذشته و آینده بشر را به او نشان داد.

نامش خجسته باد.

در ادامه بخشی از مقدمه جerald ابرامز در مورد شش مقاله مذکور می‌آید که هم ادای دینی به کوشش‌های این محققان باشد و هم مقالات از زبان ابرامز معرفی شود.

در مقاله شناخت دشمن، مکالمه‌ی فیلم‌های ترس و هوس و دکتر استرنج‌لاو، الیزابت اف. کوک، با رویکرد اگزیستانسیالیستی دیالوگی بین نخستین فیلم کوبریک، ترس و هوس (۱۹۵۳) و فیلم دکتر استرنج‌لاو (۱۹۶۴) که یک کمدی سیاه درباره جنگ سرد است، برقرار کرده است. این بخش سهم قابل توجهی در خصوص سبک کوبریک دارد، چرا که فیلم ترس و هوس کمتر دیده شده است. او از نتیجه نهایی کار ناراضی بود و هیچ‌گاه حق انحصاری پخش اثر را نگرفت، اما اخیراً این اثر پیدا و توسط کمپانی Elusive DVD دوباره منتشر شده است. کوبریک، ترس و هوس و دکتر استرنج‌لاو را از منظر جنگ و فلسفه آن تجزیه و تحلیل کرده، به ویژه با تمرکز بر این که انسان‌ها چگونه با وحشت‌شان و بیهودگی جنگ برخورد می‌کنند. ترس و هوس این درون‌مایه را از طریق اشخاص منزوی و مونولوگ‌های متعددشان بیان می‌کند. در مورد دکتر استرنج‌لاو باید گفت که به همین منظور از طریق گفتگوهای مضحک و فضای کمیک، موقعیت‌های

احمقانه و شخصیت‌های گرفتار را خلق می‌کند. اما بر طبق گفته‌های کوبریک، جنگ در ترس و هوس جنبه تراژیک ندارد، زیرا هر سرباز به تنهایی با ترس‌هایش روبه‌رو می‌شود و سرنوشت‌اش را انتخاب می‌کند، در حالی که در دکتر استرنج‌لاو اشخاص از هستی خویش آگاهی ندارند و این در نهایت منجر به یک فاجعه می‌شود. در مقاله «آشوب، نظم و اخلاق» تاثیر نیچه در غلاف تمام فلزی»، مارک تی. گنراد استدلال می‌کند که آخرین فیلم جنگی کوبریک پژوهشی نیچه‌ای در راستای دنیای مادی و غیرمعنوی است. هیچ چیز پایدار نیست و همه چیز به‌طور مستمر در حال تلاش برای نظم‌ی خطرآفرین است. این دیدگاه، دقیقاً همان چیزی است که پایگاه تفنگداران دریایی «پریس‌آیلند» تحت رهبری گروه‌بان «مارتن» سعی در اجرای آن دارد. سربازان جدید همگی آرایش موی سر، لباس فرم و اسلحه‌های مشابهی دارند، در صفوف منظم می‌ایستند، در یک خط گام برمی‌دارند و دستورات را با خروش پاسخ می‌دهند، همه چیز مساوی و منظم است. این دستورالعمل‌های اخلاقی و این نظم و هماهنگی، در تقابل با اساس بی‌ثبات این دنیا قد علم کرده و در نهایت خود را در ضرب و شتم سرباز «پایل» و خودکشی او نمایان می‌کند. جیسون هالت در مقاله‌ی «اصول اگزیستانسیالیستی؛ راه‌های افتخار به کجا هدایت می‌کند»، نخستین فیلم جنگی کوبریک (راه‌های افتخار) را براساس اصول اخلاقی هستی‌بررسی می‌کند (اگر فیلم ترس و هوس را در نظر نگیریم). مطابق گفته‌های هایدگر، انسان به این جهان پرتاب شده، بنا بر این ما به زور به سوی زندگی روانه شده‌ایم و بلافاصله با مرگ مواجه می‌شویم؛ همچون دیگر موجودات جهان، در جنگ، این مساله برجسته می‌شود و سربازان در راه‌های افتخار عمیقاً آن را احساس می‌کنند. برای یک اگزیستانسیالیست هیچ طرح اخلاقی یا به‌طور عام، قوانینی وجود ندارد که ما را در این پرتاب‌شدگی هدایت کند. تمام آنچه داریم، آزادی‌مان در مواجهه با مرگ است که خود نیز وجود ما را تعیین می‌کند و می‌توانیم به آن آزادی به یکی از دو روشی که در راه‌های افتخار مطرح می‌شود، واکنش نشان دهیم. می‌توانیم آزادی‌مان را در مواجهه با مرگ بپذیریم و با اصالت زندگی کنیم؛ فضیلت اگزیستانسیالیسم؛ آن‌گونه که هولت آن را عنوان می‌کند. یا می‌توانیم با انکار آزادی و آنچه که حقیقتاً هستیم،

بدون اصالت زندگی کنیم.

در مقاله‌ی «ضربه فنی؛ بوسه قاتل، تن و کوبریک»، کوین اس. دگر از نخستین فیلم بلند کوبریک که درباره مشت‌زنی، عشق و جنایت است، برداشتی فلسفی از تن ارائه می‌دهد. دگر تاریخچه‌ی تن در فلسفه را احیا می‌کند، تاریخچه‌ای که با فیلسوفان یونان باستان همچون سقراط و افلاطون آغاز می‌شود و جسم را در مقابل روح، به مرتبه دوم تنزل می‌دهند. دگر آن حرکت تدریجی و تنزلی را شرح می‌دهد. این تغییرات عمدتاً در اواخر قرن نوزدهم و اوایل بیستم به ویژه با آثار فیلسوفانی همچون موریس مرلوپونتی، پراگماتیست‌های امریکایی، میشل فوکو و ریچارد شوسترمن رخ داده است. تمام این متفکران تن را در ردیف اول و موضوع مرکزی قرار داده‌اند. دگر به طرز متقاعدکننده‌ای کوبریک را نیز در میان این متفکران قرار می‌دهد. پرتقال کوکی، ادیسه فضایی، چشمان باز بسته و به ویژه بوسه قاتل پرسش‌هایی درباره اهمیت فرم جسمانی، فضایی مطرح می‌سازد.

در مقاله‌ی «ابرانسان نیچه در شمایل کودک؛ ستاره‌ی فراانسانی در ادیسه‌ی فضایی»، اهمیت «چنین گفت زرتشت» نوشته‌ی نیچه را برای درک شاهکار علمی‌تخیلی کوبریک به بحث خواهم گذاشت. درست همان‌گونه که نیچه تکامل انسان را به صورت پیشرفت از حیوان به انسان، و به موجودی فوق‌العاده هوشمند به نام ابرانسان تعریف می‌کند. ادیسه‌ی کوبریک نیز تاریخچه سیر تکامل میمون‌ها به انسان و در نهایت به وجود آمدن یک جنین را در ابعاد یک سیاره که نوستاره نام دارد، بحث می‌کند. این تکامل توسط نژادی از موجودات بیگانه نامریی، که ما را به سوی حس آگاهی بالاتری هدایت می‌کنند، به وسیله فناوری پیشرفته اداره می‌شود.

سخن خاصی در پایان ندارم، فقط اینکه تصور نیچه‌ای کوبریک شاید هم اشتباه باشد، زیرا با در نظر گرفتن پیشرفت‌های اخیر در حوزه هوش مصنوعی، این پرسش همچنان وجود دارد که چه کسی و چه چیزی ممکن است تکامل را اداره کند و مهم‌تر آنکه، چه چیزی بایستی آن را اداره کند، برای همیشه بدون پاسخ خواهد ماند.

جرالد آبرامز